

The Impact of Trade Relations with India on the Discourse of Modernization and Constitutionalism of Iranians (1317 AH / 1900 AD to 1332 AH / 1914 AD)

Mohammad Reza Askarani*

Mohammad Piri**

Abstract

Extensive Iran-India trade relations declined on the eve of the constitution but these small relationships were also reflected in Iranian society and were effective in creating new ideas in politics and culture. The main issue of the research is the how new capitalism was born in Iran and the role of merchants in creating a social movement. The purpose of this article is recognizing the status of trade with India and its impact on Iranian society for about twenty years before the start of World War I. This has a qualitative and "descriptive-analytical" approach and has been done with the "documentary" method and based on "library" sources. It is assumed that the developments in Iranian society were influenced by the arrival and departure of merchants to India and Research findings also show: Increased trade activity between the two countries paved the way for social modernization but after the constitution and with the outbreak of civil war and social unrest, trade with India declined and However, these relations helped Iranians become familiar with some of the methods of agricultural

* Associate Professor of History, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
askarani@pnu.ac.ir

** Associate Professor of History, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, m.piri@lihu.usb.ac.ir

Date received: 2022/12/18, Date of acceptance: 2023/04/20



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۵۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

and industrial production but with the arrival of the occupying countries in World War I, it faced a deadly challenge

Keywords: Social movements, Constitutional period, Presence of women, Tobacco movement.

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند بر گفتمان نوسازی و مشروطه‌خواهی ایرانیان (۱۳۱۷ق. / ۱۹۰۰م تا ۱۳۳۲ق. / ۱۹۱۴م.)

محمد رضا عسکرانی*

محمد پیری**

چکیده

مناسبات پر حجم تجاری ایران و هند، در آستانه مشروطه کاهش پیدا کرد؛ لیکن همین روابط نیم‌بند نیز در جامعه ایران بازتاب یافت و در پیدایش افکار نو در سیاست و فرهنگ تأثیرگذار بود. مسئله اصلی تحقیق چگونگی زایش سرمایه‌داری نوین در ایران و سهم بازرگانان در ایجاد یک جنبش اجتماعی است. هدف این نوشتار، بازشناسی جایگاه تجارت با هند و تأثیر آن بر جامعه ایرانی برای حدود دو دهه پیش از شروع جنگ جهانی اول است که با رویکرد «توصیفی - تبیینی» (Descriptive-explanatory) و به روش «اسنادی» (method Documentary) و بر پایه منابع «کتابخانه‌ای» (Library method) سامان یافته است. فرض می‌شود که تحولات جامعه ایران از رفت و آمد بازرگانان به هند، تأثیر پذیرفت و یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد: افزایش فعالیت بازرگانی بین دو کشور، زمینه پیدایش نوسازی اجتماعی را فراهم کرد؛ لیکن پس از مشروطه و با بروز جنگ داخلی و نابسامانی اوضاع اجتماعی، تجارت با هند کاهش یافت و هرچند این روابط، به آشنایی ایرانیان با برخی از روش‌های تولید کشاورزی و صنعتی

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، askarani@pnu.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، m.piri@lihu.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱



یاری رسانید؛ لیکن با ورود کشورهای اشغالگر در جنگ جهانی اول، به چالشی مهلک کشیده شد.

کلیدواژه‌ها: بازرگانی، مشروطه، نوسازی اجتماعی، هند، استعمار.

۱. مقدمه

۱.۱ بیان مسئله، سوال و فرضیه

نظام اجتماعی و سیاسی اروپا هنگامی درهم فرو ریخت که نظام اقتصادی آن دگرگون شد. اندیشه‌ورزان ایرانی دوره قاجاریه نیز به لزوم ایجاد تحول در روش‌های تولید و مبادلات اقتصادی پی بردند و درصدد اصلاح آن برآمدند. در این روند، رویارویی ایرانیان با تمدن غربی، از پیچیده‌ترین مسائل جامعه در دوره معاصر بوده است. فهم منطق این مواجهه، درک تجربه تجددخواهی روشنفکران دوره مشروطه را ممکن می‌کند. پرسش اصلی این است که مناسبات بازرگانی با هند، چه اثری بر گفتمان نوسازی دوره قاجاریه داشت؟ فرض می‌شود که افزایش مبادلات بازرگانی با هند، به تغییر نگرش ایرانیان انجامید و رفت‌وآمد بازرگانان به هند، بر تحولات دوره مشروطه مؤثر بود.

۲.۱ روش تحقیق

رویکرد این نوشتار «توصیفی - تبیینی» است که نویسندگان نخست چگونگی مناسبات تجاری با هند در دوره قاجاریه را بر پایه منابع «کتابخانه‌ای» مرور کرده و با مراجعه به آرشیوها و استفاده از روش «اسنادی» اعتبار داده‌ها را سنجیده و سپس به تحلیل «کیفی» می‌پردازند.

۳.۱ بنیاد نظری تحقیق

پس از جدا شدن رسمی افغانستان با بستن قرارداد پاریس، رقابت روسیه و انگلستان در ایران از جنبه سیاسی و نظامی، به سوی رقابت اقتصادی چرخید و انبوه کالاهای انگلیسی از دروازه مرزهای شرقی به نواحی مختلف ایران سرازیر شد. بازرگانان ایرانی نیز که از طریق عثمانی و روسیه با اروپا دادوستد داشتند، روابط بازرگانی دیرین خود با شرق را از طریق هند گسترش دادند و نقش تاریخی خود را برای برقراری تجارت بین شرق و غرب تا حدی پیدا کردند. آنان درحالی که در غرب با سازوکارهای ناشی از انقلاب صنعتی در مورد تولید و

تبادل کالا آشنا می‌شدند، در مرزهای شرقی با هند مراودات بازرگانی و فرهنگی پر دامنه‌ای را به وجود آوردند. حضور معماری انگلیس در هند، هرچند موجب می‌شد تا در این بازار کهن، عرصه رقابت برای ایرانیان تنگ شود؛ ولی ایرانیان این مزیت را داشتند که دست‌کم از لحاظ فرهنگی و تاریخی با هندیان نزدیک‌تر بودند و همین امر مانع گسسته شدن رشته تجارتشان می‌گردید. تماس با زرتشتیان هند نیز که جایگاه ممتازی در جامعه داشتند، سودمند بود و برخی اندیشه‌های نوسازی و اصلاح‌طلبانه نیز از همین طریق به ایران راه یافت.

۴.۱ پیشینه تحقیق

مناسبات ایران و هند توجه بسیاری از پژوهشگران را جلب کرده است؛ لیکن بیشتر آثار نوشته شده یا مربوط به دوره قاجاریه نیست و یا مسائل سیاسی را بررسی کرده‌اند. در بین معدود آثار منتشر شده در زمینه مناسبات اقتصادی، مقاله علی‌اکبر یزدانی (بهار ۱۳۸۸) هرچند از نظر معرفی اسناد اهمیت دارد؛ لیکن تنها به تجارت چای پرداخته و ابعاد مختلف مناسبات بازرگانی ایران و هند را نشان نمی‌دهد. اثر چارلز عیسوی (۱۳۶۹) آمارهای سودمندی در خصوص تجارت ایران و هند در دوره قاجاریه دارد. ویلم فلور (۱۳۶۵) نیز در کتابش مطالب کوتاهی در خصوص وضعیت اجتماعی بازرگانان ایرانی و هندی آورده است. جان فوران (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱) اقتصاد سیاسی و دلایل توسعه نیافتگی اقتصاد ایران را در عهد قاجاریه بررسی کرده است. نقش کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران نیز توسط غلامرضا وره‌رام (پاییز ۱۳۶۴) مورد مطالعه قرار گرفته و حیدر امیری (پاییز ۱۳۹۳)، عباس سرافراز (بهار ۱۳۸۵) و حبیب‌الله سعیدی نیا (بهار ۱۳۹۰) نیز به مبادلات تجاری ایران و هند در دوره قاجاریه از طریق خلیج فارس و موضوع صادرات تریاک و قاچاق اسلحه در این آبراهه پرداخته‌اند. عبدالهادی حائری (۱۳۹۹) نیز ضمن معرفی انگشت‌شمار اندیشه‌گرانی که واکنش هوادارانه در برابر استعمار داشته‌اند، بی‌واکنشی اندیشه‌ورزان ایرانی در برابر سیاست‌های برون‌مرزی دولت ایران و استعمار بورژوازی غرب را نقد نموده؛ لیکن تمرکز وی بر جنبه‌های فرهنگی و دینی بوده و کمتر به مناسبات تجاری و اقتصادی پرداخته است. در مجموع بیش‌تر آثار منتشر شده یا به مراودات سیاسی و فرهنگی ایران و هند پرداخته‌اند و یا بر روابط گسترده سیاسی و اقتصادی ایران و هند در دور صفویه تمرکز کرده‌اند. از آنجاکه اثر مستقلی که سهم بازرگانان و مبادلات تجاری با هند را در روند نوگرایی در ایران نشان دهد، به نظر

نرسیده است، اهمیت تجارت با هند در عصر قاجاریه و دیدگاه‌های بازرگانان و ایرانیان سفرکرده به هند مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲. روابط بازرگانی ایران و هند پیش از مشروطه

روسیه و انگلیس مهمترین طرف‌های تجاری ایران در دوره قاجاریه بودند و با وجود برتری میزان تجارت روسیه نسبت به انگلیس، گشایش کانال سوئز و وقوع جنگ بین روسیه و عثمانی، موجب چرخیدن مسیر تجاری از طریق بندر طرابوزان و قفقاز به خلیج فارس گردید و به مرور تجارت انگلیس در خلیج فارس تقویت شد (امیری، پاییز ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷).

در زمان فتحعلی شاه، نماینده کمپانی هند شرقی به ایران آمد و قراردادی بست که معافیت مالیاتی را برای بازرگانان انگلیسی و هندی در نظر می‌گرفت (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۷۰).

به مرور دولت انگلستان نقش اقتصادی فعالتری یافت و با گرفتن امتیاز «بانک شاهی» و ده‌ها شرکت حمل‌ونقل و مؤسسات مالی، اقدامات بازرگانی مختلفی را به‌ویژه در نواحی جنوب کشور آغاز کرد (وره‌رام، پاییز ۱۳۶۴: ۵۰۹). تقویت خطوط کشتیرانی و افزایش صادرات تریاک در دوره ناصری هم سبب شد تا در سال‌های پایانی پادشاهی وی، صادرات ایران تنها از بندر بوشهر دو برابر شده و از ده میلیون به بیست میلیون رویه رسید (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۳۵). در همین سال‌ها بازرگانان زردشتی یزد ساکن بمبئی، کالاهایشان را توسط کشتی‌های بادبانی از بوشهر به هند حمل می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۳، ۳۹۵). بازرگانان یزد خودشان و یا از طریق کارگزارانی که در بمبئی داشتند، کالا وارد می‌کردند و بازرگانان بم، سیرجان و رفسنجان نیز نماینده یا شریک‌هایی در بمبئی داشتند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۶۸-۱۶۹).

به زرتشتیان کرمان اجازه دادوستد با خارج از شهر داده نمی‌شد و سفر آنان به هندوستان ممنوع بود؛ زیرا بیم آن می‌رفت که با وضعیت مناسب اقتصادی زرتشتیان هند آشنا شوند و پس از بازگشت، برای حکومت در دسر ایجاد کنند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱)؛ در حالی که انگلیس در سال‌های پایانی عصر ناصری، از بازرگانان هندی در ایران حمایت می‌کرد و آنان پیشرفت زیادی کرده بودند (سایکس، ۱۳۶۳: ۲۳۲).

از اواسط پادشاهی ناصرالدین‌شاه، مانکجی هاتریا توسط پارسیان هند برای کمک به زرتشتیان، به ایران آمد. لغو جزیه و حمایت‌های مالی پارسیان، زمینه پیشرفت اجتماعی آنها را فراهم آورد و موجب توجه آنان به امور اقتصادی گردید. زرتشتیان تجارتخانه‌های مهمی مانند

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۵۵

جمشیدیان، جهانیان و یگانگی را پایه‌گذاری نمودند و در امور زمین‌داری و صرافیه فعالیت پرداختند (نائیبیان؛ علیپور، زمستان ۱۳۸۹: ۲۹).

۳. روابط بازرگانی ایران و هند در دوره مشروطه

در دوره مظفردالدین شاه، زرتشتیان حلقه مهمی در بازرگانی بین ایران و هند بودند. پس از پیروزی مشروطه، ارباب جمشید مالک شرکت تجارتهی جهانیان، به‌عنوان نماینده زرتشتیان به مجلس راه یافت و قتل ارباب فریدون، رئیس شرکت بازرگانی جهانیان نیز که به دلیل طرفداری از مشروطه‌خواهان صورت گرفت، سبب افزایش اعتماد عمومی به زرتشتیان شد و مورد احترام قرار گرفتند.

تأسیس بانک از مهم‌ترین مواردی بود که در مجلس اول مطرح شد و زرتشتیان نیز برای تحقق آن کوشیدند. تجارتخانه‌های جمشیدیان، جهانیان و یگانگی که پیش از مشروطه پایه‌گذاری شده بودند، از پیشگامان ایجاد بانک ملی شدند و از پارسیان هند نیز کمک‌هایی را دریافت داشتند. پیش‌بینی می‌شد که با دعوت عده‌ای از بانکداران پارسی هند، این اندیشه عملی گردد؛ لیکن سوء قصد به یکی از زرتشتیان به نام ارباب پرویز شاه جهانیان در ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۴ ق. / ۱۳ فوریه ۱۹۰۷ م.، مانع تداوم مشارکت پارسیان هند در این امر شد. روی آوردن تجارتخانه‌های زرتشتی به بانک استقراضی روس و بانک شاهی برای تأمین سرمایه، نه تنها کمکی به آنان نکرد؛ بلکه به این دلیل که بانک‌های مذکور نمی‌خواستند برای خودشان رقیب بتراشند، سرانجام از طریق در اختیار گرفتن اموال و زمین‌های دو تجارتخانه جمشیدیان و جهانیان، آنان را بدهکار و ورشکسته کردند. افزون بر حمایت نکردن پارسیان هند، رقابت بین روس و انگلیس نیز عامل دیگری در ورشکستگی تجارتخانه‌های زرتشتیان ایران بود (نائیبیان؛ علیپور، زمستان ۱۳۸۹: ۲۱؛ ۲۹).

در سال‌های پایانی حکومت مظفردالدین شاه، دولت ایران به حمایت از بازرگانان ایرانی در هند پرداخت و بازار مراودات بین رجال سیاسی و فعالان اقتصادی ایران در هند، گرم‌تر شد (استادوخ، ۱۳۲۰ ق.، ص ۳۹، پ ۱۳)؛ به‌نحوی که حدود سیصد نفر از تجار در بمبئی جمع شدند و در تقدیر از شاه، طوماری را امضا کردند (استادوخ، ۱۳۲۰ ق.، ص ۹، پ ۸).
کنسول ایران در بمبئی طی گزارشی که در تاریخ ۱۸ شوال ۱۳۱۷ برای وزارت خارجه فرستاد در مورد نظامیان انگلیسی که با تغییر لباس و به‌عنوان خریداری قاطر و غیره در نواحی مرزی حضور پیدا کرده بودند، هشدار داد (استادوخ، ۱۳۱۷ ق.، ص ۱۵، پ ۵). وی همچنین در

نامه‌ای در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۱۷ به موضوع گرفتن تابعیت انگلیسی توسط بازرگانان ایرانی نیز چنین اشاره کرد: «برفرض اگر هم ایرانی رعیت خارجه بشود، باز مراجعت نماید به وطن خویش خوب است؛ ولی هر سال، ده، بیست هزار با عیال و خانواده جلای وطن کرده، دیگر نامی از مُلک خود نمی‌برند» (استادوخ، ۱۳۱۶ق، ص ۳۵، پ ۵).

برخلاف انتظار، وقوع جنبش مشروطه موجب افزایش اقتدار ملی ایران نگردید و دولت قاجاریه که بر اثر جنگ‌های داخلی و مداخله بیگانگان بسیار ضعیف شده بود، نمی‌توانست امنیت را به‌ویژه در راه‌های مناطق مرکزی و جنوبی کشور برقرار کند. وجود راهزنان بیش از همه به تجارت ضرر می‌زد و بازرگانی با هند نیز از این آسیب، برکنار نماند. برای مثال، در سال ۱۳۲۵ق. کاروان بزرگی در راه کرمان - بندرعباس مورد دستبرد قرار گرفت و در سال‌های بعد نیز ناامنی و شورش‌های محلی، تجارت با هند را همچنان به مخاطره می‌انداخت (کتاب آبی، ۱۳۶۹: ۱۱۲/۱؛ ۱۸۳/۸). چنانکه در سال ۱۳۲۷ق. افزون بر تبریز و خیزش نواحی شمالی کشور، آشوب‌هایی هم در فارس به وقوع پیوست و بر اثر اقدامات عشایر فارس و ناامنی راه‌های این ایالت، از تجارت بریتانیا بسیار کاسته شد (نصیری طیبی، تابستان ۱۳۸۴: ۲۲۷). علاوه بر راه‌ها، در باراندازها نیز لوازم کشتی‌های تجاری به سرقت می‌رفت و شکایت کنسول‌گری انگلیس هم به‌جایی نمی‌رسید (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۹؛ ۲۲). ناامنی به‌حدی رسید که کاروان‌های نظامی هم در امان نبودند؛ چنان‌که در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲م. ۱/ محرم ۱۳۳۱ق. در نزدیکی شیراز افزون بر غارت کالاهای تجاری، یک افسر انگلیسی به قتل رسید و یک هندی هم زخمی گردید (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۲۰۳۵/۸). این موارد هرچند تجارت با هند را به خطر می‌انداخت؛ لیکن بهانه‌ای بود تا انگلستان از فرصت استفاده کرده و فشار سیاسی بر دولت ایران را افزایش دهد.

بازرگانان روسی در ایران از موقعیت برتری نسبت به هم‌تایان انگلیسی و هندی برخوردار بودند. کمبود راه‌های مواصلاتی مناسب و طول راه‌های زمینی، از مواردی بود که تجارت با هند را در مناطق شرقی ایران قبل از جنگ جهانی اول تهدید می‌کرد (لیتن، ۱۳۶۷: ۲۴۶-۲۴۵). در صورتی‌که کالاهای روسی از راه دریای خزر یا توسط راه‌آهن قفقاز، با سهولت بیش‌تری به ایران ارسال می‌شد.

عقب ماندن از رقیب استعماری سبب گردید تا انگلیس از طریق راه‌آهن هند به سیستان، به صدور کالا پرداخته و راه تجارت با مناطق شرقی ایران را کوتاه کند. روزنامه تایمز در ۱۶ نوامبر ۱۹۰۳م. ضمن اشاره به اهمیت تجارت هند در این منطقه، بر لزوم اقدامات مؤثرتر برای حفظ

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۵۷

منافع انگلیس در خلیج فارس، تأکید نمود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰: ۱۴). با کشیده شدن خطوط تلگرافی که لندن را از طریق دریا و سواحل جنوبی ایران به کراچی مرتبط می‌کرد، ارتباط مستقیمی بین مؤسسات اقتصادی هند با دیگر نقاط جهان برقرار شد و حضور بریتانیا در خلیج فارس و نواحی شرقی و جنوبی ایران، نیرو گرفت (ورهرام، پاییز ۱۳۶۴: ۸۰۸-۸۰۹).

در آستانه جنگ جهانی اول، کنسول‌های انگلیس، روسیه و عثمانی در بوشهر، افزون بر مداخله‌های سیاسی و نظامی، از طریق جانب‌داری از افراد و تجارت‌خانه‌های دولت متبوعشان، بازرگانان ایرانی را در تنگنا قرار داده، اموالشان را به چنگ می‌آوردند. مأموران سیاسی آن کشورها نیز به انواع مختلف، مقامات دولت ایران را زیر فشار قرار می‌دادند (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۹۴؛ ۵۴؛ ۵۶؛ ۵۸). مأموران انگلیسی در کوچک‌ترین موارد مربوط به اختلافات بین بازرگانان هندی و ایرانی دخالت می‌کردند و برای نمونه در حمایت از بازرگانی هندی به نام «تاراچند مولچند» که قران‌های تقلبی به تجارت‌خانه میرزا غلامحسین و حاجی محمد کازرونی داده بود، کنسولگری نامه‌نگاری می‌کرد (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۱).

اعمال نفوذ مأموران انگلیسی تنها به ایجاد محدودیت برای بازرگانان ایرانی محدود نمی‌شد؛ چنان‌چه گزارشی در دست است که نشان می‌دهد در همین سال‌ها، چرچیل دبیر امور شرقی سفارت‌خانه آن کشور، افرادی را برای پیدا کردن اشیای عتیقه مأمور حفاری در تپه امامزاده ذوالفقار در حوالی شهریار کرده بود (ساکما، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازیابی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۶۲) و ایشان با وجود ممانعت مأموران حکومتی ایران، به واسطه اطمینانی که از سوی حامیان انگلیس داشتند، بی‌مهابا مشغول حفاری بودند (ساکما، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازیابی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۹). سفارت انگلیس نیز به معاون وزارت مالیه هشدار داد: «تپه ذوالفقار موافق اسناد صحیحه متعلق به جناب وزیرمختار انگلیس است» و تأکید می‌کرد: «خزانه‌دار کل در این باب به شما دستورالعمل خواهند داد و البته بعدازاین، به‌هیچ‌وجه در این مسئله دخالت نخواهید کرد» (ساکما، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازیابی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۵). خزانه‌داری کل نیز قادر به جلوگیری از اقدامات چرچیل و گماشتگان وی نبود (ساکما، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازیابی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۸۱) و به‌این ترتیب با وجود پیگیری‌های کارکنان محلی دولت ایران، مقدار زیادی اشیای عتیقه توسط افرادی که به پشت‌گرمی کارکنان سفارت انگلیس، مشغول حفاری بودند، کشف و در اختیار آنان قرار گرفت (ساکما، ۱۳۳۳ق.، شناسه بازیابی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۹).

در سال ۱۳۱۵ ق. / ۱۸۹۸ م. انگلیس درآمد گمرک نواحی جنوبی ایران را به عنوان ضمانت پرداخت وام به دولت ایران به وثیقه گرفت (یا حسینی، ۱۳۷۶: ۶۶). این امر با واکنش برخی از ایرانیان مواجه شد و نویسنده روزنامه حبل‌المتین، زیان سپردن اختیار و اجازه گمرک به بیگانه را افزون بر جنبه مالی، ازدست رفتن نظارت دولت ایران بر خلیج فارس دانست (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۵ ق. : ۲۲/۲۴). با وجودی که در پی بستن قرارداد ۱۹۰۷ با روسیه نفوذ انگلیس در نواحی جنوبی افزایش یافته بود؛ لیکن به دلیل بی‌سامانی اوضاع کشور، تجارت با هند به شدت آسیب دید. در ۲۵ شعبان ۱۳۲۹ کالاهای اتباع هندی انگلیس در راه بندرعباس به کرمان غارت شد و ژاندارمری هم از عهده حفظ امنیت کالاهایی که از بوشهر و بندرعباس به داخل کشور حمل می‌شد، بر نمی‌آمد (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۱۵؛ ۱۹؛ ۱۹۵؛ ۲۵۳).

در این دوره آنچه به شدت موجب نگرانی انگلیس و به زیان تجارت بین ایران و هند شد، پیمان تجاری جدید ۱۴ فوریه ۱۹۰۳ م. بین ایران و روسیه بود که به صورت ماهرانه‌ای تعرفه‌های گمرکی را در خصوص کالاهای خاص که از هند به ایران می‌آمد، از پنج به نه درصد افزایش داد (گریوز، ۱۳۸۷: ۲۸۷-۲۸۸). در سال‌های بعد بازرگانی روسیه در ایران به سرعت پیشرفت کرد. از طرفی کشف نفت در ایران و اهمیت یافتن این کالای راهبردی در سوخت ناوگان‌های دریایی، موجب شد تا دولت انگلیس درصدد خرید سهام «شرکت نفت ایران و انگلیس»، برآمده و بکوشد تا حد امکان نیازهای نفتی خود را از خوزستان تأمین کند (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۶۴). یکی دیگر از چالش‌هایی که برای حکومت انگلیسی هند به وجود آمد، تجارت و قاچاق اسلحه در نواحی جنوبی و شرق ایران بود. انگلیسی‌ها سود کلانی از قاچاق اسلحه در خلیج فارس حاصل می‌کردند (برومند، زمستان ۱۳۷۸: ۳۸)؛ ولی بخشی از همین سلاح‌ها سر از افغانستان و نواحی سرحدی هند درمی‌آورد. افغان‌ها با نیمی از شترهایشان، کالاهایی را به بندرعباس رسانیده و نیم دیگر شترها را بدون بار همراه می‌آوردند. سپس با فروش محصولاتشان، مقادیری تفنگ، فشنگ و سلاح رولور به افغانستان حمل می‌کردند (نورائی؛ رضایی، پاییز ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۵). به زودی انگلیسی‌ها فهمیدند که زیان تجارت اسلحه در ایران، بیش از نفع آن است. به‌ویژه بعد از آنکه درگیری بین افغان‌ها و حکومت انگلیسی هند از پایان سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۹۶ ق. شروع شد و مأموران آلمان شروع به مسلح کردن طوایف مختلف جنوب و شرق ایران و افغانستان علیه انگلیسی‌ها کردند، حکومت انگلیسی هند وادار شد که به‌طور جدی با قاچاق اسلحه از طریق خلیج فارس مقابله کند (سرافراز، ۱۳۸۵: ۲۶۷-۲۶۸). قاچاق مسافر نیز از مواردی بود که توسط کشتی‌های شرکت‌های تجارتهای انگلیس

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۵۹

صورت می‌گرفت (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۱۴۷). سوار کردن مسافران بدون مجوز خروج از کشور، نه تنها به درآمدهای دولت ایران آسیب می‌رساند؛ بلکه از نظر امنیتی نیز در دسرهایی را تولید می‌کرد و از اقتدار دولت مرکزی می‌کاست. به خصوص که گاه تقلب‌هایی نیز در گرفتن مجوز خروج از کنسولگری انگلیس صورت می‌گرفت (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۱۶۰). به رسمیت شناختن تابعیت انگلیسی ایرانیان ساکن هند در ایران توسط آن کشور نیز برای حاکمیت دولت ایران و سلامت تجارت زیان‌بار بود. برخی از بازرگانان ایرانی که در هند تابعیت انگلیسی دریافت می‌کردند، انتظار داشتند با استفاده از حقوق کاپیتولاسیون، از امتیازات بیشتری نسبت به بازرگانان دیگر ایرانی برخوردار شوند (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴).

قاچاق، راهزنی و بی‌نظمی‌های ناشی از دخالت‌های انگلیس، بر تجارت جنوب اثر مخربی گذاشت و میزان واردات از بندرهای جنوبی ایران به اندازه‌ای کاهش یافت که مطابق نامه کارگزار بوشهر به وزیر خارجه، در شوال ۱۳۳۲، کرایه حمل غلات از بوشهر به شیراز نصف شد و اندک بازرگانان فعال نیز به دلیل کمبود پول نقد و این‌که بانک برات آنان را قبول نمی‌کرد، از میزان تجارتشان، بسیار کاستند (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۱۸۲). با شروع جنگ جهانی اول، رفت‌وآمد کشتی‌های حامل مکاتبات پستی نیز مختل شد و مقامات محلی ایران گلایه داشتند که «کلیه مراسلات را [مأموران انگلیسی] در پست‌خانه‌ها باز می‌نمایند و یک پاکت باز نشده به احدی داده نشده است» (اسناد کارگزاری بوشهر، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

۴. تجارت با هند و ایجاد نگرش نوسازی اجتماعی

در آستانه قرن بیستم میلادی، تجارت با هند هرچه بیشتر تغییر ماهیت داد و از کالاهای بومی هند، به سوی محصولات صنعتی و اروپایی سوق پیدا کرد. سودآوری این قبیل کالاها، پای بازرگانان ایرانی را هم به این عرصه باز کرد. در این‌بین برخی از ایرانیانی که برای انجام مأموریت اداری و یا فعالیت اقتصادی به هند سفر می‌کردند، با مشاهده تنوع محصولات و رواج معاملات، آرزوی تولید کالاهای مفید هندی را در سرزمین زادگاهشان می‌کردند (کوشکی، پاییز ۱۳۹۰: ۷۵۷).

از زمان ناصرالدین‌شاه در کرمان و مشهد «شال» با الگوبرداری از شال‌های کشمیری باکیفیت بافته شد. کشت سیب‌زمینی از طریق هند به ایران راه یافت و تخم برنج صدری نیز که در دوره ناصرالدین‌شاه از پیشاور وارد شد، به سرعت در مازندران و گیلان معمول گردید. کشت

تریاک و تنباکو هم به واسطه صادرات آن به هند و چین و اروپا در بیشتر نواحی ایران متداول گردید و شرکت‌های تجاری بزرگی برای صادرات آن تأسیس شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۳۹؛ ۱۳۷؛ ۱۴۳؛ ۱۵۷). مفخم السلطنه کنسول ایران در کلکته نیز افزون بر این که «تخم گل‌های مختلف و سبزی‌های خوردنی» را خریداری کرده و به ایران می‌فرستاد، از زنگبار و کامبوج نیز بذر گیاهان کمیاب را تهیه کرده و به ایران می‌فرستاد (اسنادی از روابط ایران و هند، ۱۳۷۶: ۵۰۰).

چای یکی از محصولاتی بود که موجب رونق «کشت تجاری» در ایران شد. بر اثر استقبال کم‌سابقه از مصرف چای، «محمدخان قاجار» معروف به «کاشف‌السلطنه» تشویق به کشت چای در ایران شد. وی با هویت مخفی، به نواحی چای خیز هند سفر کرد و مطالعاتی را در این زمینه انجام داد (استادوخ، ۱۳۱۷ق.، ص ۷، پ ۴)؛ لیکن دولت ایران نه‌تنها با وی همراهی نکرد (استادوخ، ۱۳۱۷ق.، ص ۷، پ ۴)؛ بلکه حقوقش را هم به‌موقع پرداخت نمی‌پرداخت؛ تا جایی که طی نامه‌ای درخواست بازگشت کرد (استادوخ، ۱۳۱۷ق.، ص ۷، پ ۴). کاشف‌السلطنه سرانجام یکی از ایرانیان ساکن هند را که مدتی برای آموختن روش‌های کشت چای زحمت کشیده بود، همراه مقادیری تخم چای روانه ایران کرد. کشت چای و گیاهانی که از این طریق به ایران وارد شد، با دشواری‌هایی دست‌به‌گریبان گردید و بانیانش، عمر و سرمایه زیادی صرف آن کردند (یزدانی، بهار ۱۳۸۸: ۵۳۰-۵۲۹). محصول دیگری که روش‌های کشت و آماده‌سازی آن در مقیاس زیاد از هند وارد کشور شد، تریاک بود. میرزا حسین‌خان سپهسالار که برای یک مأموریت سیاسی در بمبئی به سر می‌برد، در گزارشی به منافع کشت خشخاش در ایران برای صادرات اشاره کرد و دولت نیز به تولید تریاک توجه کرد و به ترویج آن پرداخت (بامداد، ۱۳۷۱: ۴۱۱/۱). یکی از بازرگانان به نام محمد مهدی ارباب نیز پس از بازگشت از هند، این کشت صنعتی را در اصفهان به راه انداخت و در اندک زمانی بخش عمده‌ای از اراضی به کشت این محصول اختصاص یافت و بدین ترتیب، اقتصاد کشاورزی معیشتی، به اقتصاد وابسته به صادرات مواد خام، تبدیل شد (سعیدی نیا، بهار ۱۳۹۰: ۹۸-۱۰۱). هرچند صدور همین محصول به هندوستان هم در اندک مدتی به‌واسطه نبود نظارت دولت و تقلب صادرکنندگان، کاستی گرفت (اسنادی از روابط ایران و هند، ۱۳۷۶: ۴۷۸). پنبه نیز محصول دیگری بود که صادر می‌شد.

تجارت با هند و کشورهای غربی به تجاری شدن نسبی کشاورزی و نوین‌سازی برخی نهادهای صنعتی ایران انجامید. هرچند چنین توسعه‌ای محدود بود و بر سطح زندگی، بودجه

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۶۱

دولت، توازن پرداختی‌ها و سرمایه‌های ملی بازتاب‌های منفی داشت (فوران، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱: ۳۴). رواج تام مال‌التجاره اروپایی در ایران، به نحوی که دست‌کم سه‌پنجم کالاهای تجاری در دوره ناصری را اجناس فرنگی تشکیل می‌داد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۱)، به‌جای آن‌که در خدمت روزآمد شدن صنایعی قرار گیرد که هزاران سال در این سرزمین ریشه داشت، وابستگی بیشتر به محصولات صنعتی غرب را فراهم کرد. مشاهده واپس‌ماندگی از علوم و صنایع غربی، برخی از روشنفکران را واداشت تا دلیل آن را بیابند و به این نتیجه برسند که «سبب ترقی معارف و حکمیات، آزادی افکار و افتتاح باب سؤالات است» و باور کنند که «هر جا قانون نیست، اساس منافع نیست و...سعادت و برکات نیست» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۳/۱؛ ۱۲۷/۲).

بالیدن چنین اندیشه‌هایی، سرانجام موجب بروز جنبش مشروطه‌خواهی گردید. جنبشی که بازرگانان و روشنفکران در آن نقشی اساسی داشتند. برخی از مهم‌ترین آثاری که سبب بیداری ایرانیان گردید، در هند و توسط ایرانیان سفرکرده به آنجا و یا پارسی‌زبانان هند که از آنجا به فرنگ سفر کردند، پدید آمد. برخی از محققان، سفرنامه‌های فارسی هند را نخستین روایت‌گران نظام پادشاهی مشروطه برشمرده‌اند و معتقدند این سفرنامه که پیش از شکست دولت قاجاریه از روسیه نوشته شده‌اند، به‌جای تمرکز بر عقب‌ماندگی ایران از تمدن غرب، مشروطه را بدیل مناسبی برای حکومت استبدادی دانسته و استقرار آن را در ایران آرزو می‌کنند (فرجی؛ نصیری، پاییز و زمستان ۱۴۰۰: ۲۱۳). اثری مانند «تحفه العالم» را که در آن درباره آزادی قلم و بیان و برابری مردم در برابر قانون، انتخابات و حق رأی همگانی، مجلس و محدودیت قدرت پادشاه در انگلستان، مطالبی مطرح شده، می‌توان از همین دست‌نوشته‌ها محسوب کرد. نویسنده تصریح می‌کند که درآمد انگلیسی‌ها از محل فروش محصولات کشاورزی چندان زیاد نیست؛ ولی به کمک ناوگان کشتیرانی گسترده، با دورترین کشورها تجارت می‌کنند و درآمد سرشاری دارند (عبداللطیف شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۶۲) نویسنده تحفه العالم مانند برخی دیگر از ایرانیانی که به هند سفر کرده بودند، اطلاعاتی از وضعیت اداره کشور انگلیس کسب کرد و در بخشی از کتابش با اشاره به «مسلوب الاختیار» بودن پادشاه انگلیس، به وجود مجلس در آن کشور اشاره کرده و می‌نویسد: «رعایای هر شهر از جانب خود، هر که را سزاوارتر دانند، وکیل کنند» و به پایتخت فرستند «تا کارها به مشورت همگی انجام یابد» (عبداللطیف شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

نویسنده دیگری که به کار بازرگانی در هند می‌پرداخت، وجود نظم، قانون، حکومت مردمی و عادلانه را راز برتری و پیشرفت انگلیس دانسته و در بخش‌هایی از کتابش با مقایسه اوضاع ایران و مشرق زمین با انگلیس و اروپا، رواج ستم، استبداد و فساد در مملکت ایران را نکوهش می‌کند (کرمانشاهی، ۱۳۷۵: ۵۵۳-۵۱۶). سلطان‌الواعظین نیز پیشگامان آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی محسوب می‌شود که سال‌ها در هندوستان بازرگانی می‌کرد و به باور برخی از محققان، جزو انگشت‌شمار اندیشه‌گرانی است که نظراتی سخت‌ستیزه‌گرانه برضد استعمار دارد. وی همکاری با انگلیسی‌ها را حرام می‌دانست (حائری، ۱۳۹۹: ۴۵۲؛ ۴۵۸)؛ با این وجود در سفرنامه‌اش به آزادی مطبوعات، شیوه حکومت مردم‌سالار، محدود بودن قدرت و اختیارات شاه و نقش مردم و مجلس شورا در حکومت و جامعه در انگلیس اشاره نموده و می‌نویسد که پادشاه انگلیس بدون مراجعه به دادگاه «حتی زدن یکی از خدمه را هم قادر نباشد» و ویژگی‌های مجلس، انتخابات و سنت رایزنی شاه با سیاستمداران را توصیف می‌کند (سفرنامه سلطان‌الواعظین، نسخه خطی شماره ۳۱۴۴: ۱۸۸-۱۸۶). نویسنده هم چنین در خصوص نظام پادشاهی هلند می‌نویسد:

مملکت را هفت قسمت متساوی منقسم نموده‌اند. رعایای هر حصه هر ساله از جانب خود یکی را وکیل کنند که به دارالسلطنه رود و به کار مُلکی پردازد و تا آن وکلا یکرنگ نشوند، هیچ امر جاری نشود و زیاده بر یک سال وکالت را بر کسی باقی نگذارند (سفرنامه سلطان‌الواعظین، نسخه خطی شماره ۳۱۴۴: ۱۷۲).

میرزا نصرالله بهشتی معروف به ملک‌المتکلمین نیز مدتی را در هندوستان اقامت گزید. پس از بازگشت به ایران، کتاب «رویای صادق» را نوشت که مشحون از انتقادهای تند از حکومت و افشای کارهای مستبدان بود (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۸). وی هم‌چنین به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداخت و در تأسیس «شرکت اسلامی» سهیم بود. این شرکت که سال ۱۳۱۶ق. در اصفهان تشکیل شد، از نخستین نشانه‌های برآمدن سرمایه‌داری نوین در ایران محسوب می‌شود و مؤسسه‌ای صنفی بود که بر پایه آگاهی طبقاتی تشکیل شد. شرکت اسلامی شعبه‌هایی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای نظیر روسیه، عثمانی و هندوستان داشت و در نظام‌نامه آن‌هم تجارت کالای خارجی منع شده بود و قیدشده بود که شرکت تنها مجاز به خرید بعضی ادوات کارخانه‌ها است و افزون بر حمل کالاهای داخل به خارج یا مشارکت در احداث راه‌آهن و راه‌سازی، هدفش را تدارک لباس تمام اهالی ایران قرار داده بود (ترابی، زمستان ۱۳۹۲: ۴۰). شعبه شرکت اسلامی در بمبئی توسط حاج علی شوشتری اداره می‌شد و

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۶۳

مؤید الاسلام کرمانی مدیر روزنامه حبل‌المتین نماینده آن در کلکته بود (روزنامه حبل‌المتین، ش ۱۸: ۲۰). مؤید الاسلام هم به امور بازرگانی شرکت یاری می‌رساند و هم با درج مقاله‌هایی با مضمون وطن‌پرستانه، به تبلیغ کالاهای آن می‌پرداخت و نوشته‌هایش به اندازه‌ای تأثیرگذار بود که برخی باور داشتند، «تأسیس شرکت از تأثیر قلم» اوست (روزنامه ثریا، ش ۴۹: ۷). مؤید الاسلام هم‌چنین با درج فتاواها و نامه‌های روحانیان سرشناس در حمایت از شرکت، به مؤسسه‌ای که با معیارهای «کمپانی»های غربی اساس گرفته بود، مشروعیت می‌بخشید (روزنامه حبل‌المتین، ش ۴۱: ۳-۴). روزنامه وی که سالیان درازی در هند منتشر می‌شد، مفاسد و نابسامانی‌های اجتماعی و فساد حکومتی کشور را به رشته تحریر می‌کشید و در بیدارسازی ایرانیان نقش زیادی داشت. به همین دلیل نیز امین‌السلطان صدراعظم ورود آن به کشور را ممنوع کرد (اسنادی از روابط ایران و هند، ۱۳۷۶: بیست‌ونهمه مقدمه). بعد از مشروطه نیز برادر مؤید الاسلام کتابی با عنوان «مکالمه یک سیاح ایرانی با شخص هندی» منتشر کرد. وی این اثر را در قالب مناظره‌ای خیالی بین یک ایرانی با یکی از هندیان بر سر تجربه مدرنیته هندی نوشت و کوشید فرهنگ ایرانی را در آینه تحولات هند به صورتی نقادانه به تصویر کشد. برای مثال در حالی که شخص هندی در این مناظره از وجود قوانین مدون و انسانی و اهمیت حق مردم در آگاهی و حق‌ستانی در نظام اجتماعی غرب و مدرنیته هندی - انگلیسی دفاع می‌کند، فرد ایرانی چنین پاسخ می‌دهد: «رعیت سگ کیست... رعیت یعنی بنده بی‌درم دولت... هر حاکم پیروزی مالک‌الرقاب رعیت است. اگر هستی هریک از رعایا را بخواهد آتش بزند، کسی قدرت ندارد بگوید، چرا؟!...» (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۶). واقعیت تلخی که در همین چند جمله هست، حاکی از درک عمیق نویسنده نسبت به ماهیت استبداد است. وی و خانواده‌اش سال‌ها در هند زیسته بودند و از نزدیک با برخی از مظاهر فرهنگ غربی آشنایی داشتند و هرچند به همان نظام مدرنیته هندی نیز نقادانه برخورد کرده و می‌نویسد: «دولت انگلیس سر را با پنبه می‌برد و دولت ایران دست را با ساطور قطع می‌کند» (کاشانی، ۱۳۸۰: ۵۶)؛ لیکن بر اهمیت قانونمندی سیاست انگیس و وجود قوانین لازم‌الاجرای آن پافشاری می‌کند.

بدین ترتیب می‌شود مدعی شد که هند به مثابه الگویی برای تجربه فرهنگی از غرب، در مواجهه ایرانیان با مدرنیته بسیار مؤثر بوده است و در کنار هل و دارچین و ادویه هندی، هم کالاهای فرنگی و هم اندیشه‌های غربی به ایران رسید و هندوستان به معبری برای ورود افکار تجددگرایانه به ایران تبدیل شد. از آغازین سال‌های دوره قاجاریه، بازرگانان ایرانی در بسیاری

از شهرهای هند پراکنده شدند و به دلیل شباهت نژادی، زبانی و مذهبی، خیلی زود در آن سرزمین جایی برای خود باز کردند. این سوداگران که پیوسته دل‌بسته زادگاهشان بودند، بارها واسطه ارتباط سیاسی و اقتصادی بین دولت‌های ایران و انگلیس شدند و با انتقال اطلاعات خود در خصوص ویژگی‌های دنیای پس از انقلاب صنعتی، سهم فراوانی در بالیدن فکر نوسازی اجتماعی به عهده گرفتند.

۵. نتیجه‌گیری

تجارت ایران و هند از اوایل دوره قاجاریه تا بروز جنگ جهانی اول، فرازوفرودهای زیادی داشت و طی این دوره، کالاهای هندی و مصنوعات اروپایی به ایران سرازیر شد. پس از مشروطه کوشش‌هایی برای برپایی بانک صورت گرفت که سرانجام بر اثر دلسردی پارسیان هند و کارشکنی بانک‌های انگلیسی و روسی بی‌ثمر ماند و این زیرساخت مالی حیاتی برای تجارت، همچنان در دست بیگانگان باقی ماند.

شرکت‌های بازرگانی هندی و انگلیسی که پس از افتتاح کانال سوئز و درگیری‌های نظامی روسیه و عثمانی، فرصت یافتند تا با ناوگان‌هایشان تجارت در خلیج فارس را قبضه کنند، ضمن قاچاق کالا و انسان، گاهی حقوق بازرگانان ایرانی را نیز نادیده می‌گرفتند. بازرگانان هندی و انگلیسی از حمایت‌های مرتبط با کاپیتولاسیون برخوردار بودند و فشار نمایندگی‌های سیاسی نسبت به کارکنان گمرک و افزایش حضور نظامی انگلیس به بهانه مبارزه با قاچاق اسلحه، سبب چیرگی فراوان آن کشور بر تجارت نواحی جنوبی و شرقی ایران گردید. مشاهده همین نابرابری‌ها و دخالت‌های اجنبی، از عوامل نارضایتی بازرگانان و روشنفکرانی گردید که دو قشر مؤثر در ترویج مشروطه‌خواهی بودند.

به دلیل بروز جنگ‌های داخلی، ناامنی راه‌ها و تضعیف حاکمیت دولت مرکزی پس از مشروطه، تجارت با هند کاهش یافت. از آن‌پس دولت انگلیس بر حفظ جریان نفت از خلیج فارس تمرکز کرد و برای چندین دهه شریان حیاتی تجارت ایران با هند نیز به‌طور انحصاری در اختیار انگلستان قرار گرفت.

تجارت با هند موجب آشنایی ایرانیان با شیوه‌های جدید بازرگانی و تولید محصولات کشاورزی و صنعتی مختلف در ایران گردید؛ به‌طوری‌که کشت برخی محصولات جدید مانند چای و تریاک نیز بر اثر همین مناسبات رایج گردید. دادوستد با هند به ورود کالاهای تجاری محدود نشد و احساسات قانون‌گرایی و اندیشه نوسازی اجتماعی نیز توسط بازرگانان به ایران

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۶۵

راه پیدا کرد. در لابه‌لای خاطرات و سفرنامه‌های مسافران هند، انبوهی از اطلاعات در خصوص مردم‌سالاری و ضرورت برقراری حکومت قانون مسطور بود و دیدن تنظیمات اروپایی، ایرانیان ساکن هند را برمی‌انگیخت تا برای ترغیب هم‌وطنانشان به ایجاد دگرگونی، بکوشند. هند به دلیل وجود مؤلفه‌های فرهنگی آشنا برای ایرانیان، بستر مناسبی برای صورت‌بندی فهم ایرانیان از غرب و نوگرایی گردید و الگوهای غیرغربی مدرنیته را نیز پیش روی مشروطه‌خواهان قرار می‌داد. به همین دلیل می‌شود مدعی شد که تجربه مدرنیته هندی برای ایرانیانی که با آن مواجه می‌شدند، آموزنده‌تر و فهم‌پذیرتر بوده است. با این‌وجود این تأثیرات همواره مثبت نبود و در مواردی مانند تغییر الگوی کشت و جایگزین شدن محصولاتی مانند تریاک، تنباکو و پنبه موجب آسیب رساندن به اقتصاد معیشتی کشور گردید.

کتاب‌نامه

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازایی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۶۲
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازایی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۹
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازایی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۵۵
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۳۲ق.، شناسه بازایی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۸۱
- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۳۳۳ق.، شناسه بازایی ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۹
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (استادوخ)، ۱۳۲۰ق.، صندوق ۹، پوشه ۸
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (استادوخ)، ۱۳۱۷ق.، صندوق ۷، پوشه ۴
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (استادوخ)، ۱۳۱۶ق.، صندوق ۳۵، پوشه ۵
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (استادوخ)، ۱۳۱۷ق.، صندوق ۱۵، پوشه ۵
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (استادوخ)، ۱۳۲۰ق.، صندوق ۳۹، پوشه ۱۳
- اسناد کارگزاری بوشهر، (۱۳۸۵)، کوشش مرتضی نورانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان بوشهر، چ‌اول.
- اسنادی از روابط ایران و هند در دوره مظفرالدین شاه قاجار، (۱۳۷۶)، کوشش احمد جلالی فراهانی، تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چ‌اول.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، (۱۳۷۰)، تهران: واحد نشر اسناد، چ‌اول.

۱۶۶ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران [جلد ۸]، (۱۳۶۹)، کوشش احمد بشیری تهران: نشر نو، چ اول.
- یزدانی، علی اکبر (بهار ۱۳۸۸)، «تاریخچه چای در ایران؛ مروری بر چند سند». تهران: مجله پیام بهارستان، دوره دوم، شماره ۳، صص ۵۲۷-۵۳۴.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۳)، المآثر و الآثار؛ چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه. کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، چ دوم.
- امیری، حیدر، (پاییز ۱۳۹۳)، «تجارت بندر بوشهر در حوزه خلیج فارس؛ دوره قاجار». تهران: فصلنامه مطالعات خلیج فارس، سال ۱، شماره ۳، صص ۸۱-۹۳.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، [جلد ۱]، تهران: زوار، چ چهارم، ۱۳۷۱.
- برومند، صفورا، (زمستان ۱۳۷۸)، «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر»، تهران: فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۱-۴۸.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، چ دوم.
- ترابی، سهیلا، (زمستان ۱۳۹۲)، «برآمدن سرمایه‌داری نوین ایرانی؛ بررسی موردی شرکت اسلامی»، تهران: دانشگاه الزهراء، مجله علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۰، صص ۳۵ تا ۵۶.
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۹۹)، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: امیرکبیر، چ هفتم.
- خانیکوف، ولادیمیر ویچ، (۱۳۷۵)، سفرنامه خانیکوف؛ گزارش سفر به بخش جنوبی آسیا. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: استان قدس رضوی، چ اول.
- روزنامه ثریا، (۲۴ جمادی الاول ۱۳۱۷، سال اول، شماره ۴۹، ص ۷).
- روزنامه حبل‌المتین، (اول ذی‌حجه ۱۳۱۷، سال ۷، شماره ۱۸، ص ۲۰).
- روزنامه حبل‌المتین، (ربیع‌الثانی ۱۳۱۹، سال ۹، شماره ۴۱، ص ۳-۴).
- روزنامه حبل‌المتین، (صفر ۱۳۲۰، سال ۸، شماره ۲۴، ص ۲۲).
- سایکس، پرسی، (۱۳۶۳)، سفرنامه ژنرال سر پرسی؛ ده هزار مایل در ایران. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: لوحه، چ اول.
- سرافراز، عباس، (۱۳۸۵)، «قاجاق اسلحه در خلیج فارس»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، (۳ و ۴ خرداد ۱۳۸۴ گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)، اصفهان: دانشگاه اصفهان، چ اول.
- سعیدی نیا، حبیب‌الله، (بهار ۱۳۹۰)، «تجارت تریاک در بنادر شمالی خلیج فارس ۱۲۹۱-۱۳۴۳ق. ۱۸۷۴-۱۹۲۴م»، تهران: دانشگاه الزهراء، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۹، پیاپی ۹۱، صص ۹۳-۱۲۰.

تأثیر مناسبات بازرگانی با هند ... (محمدرضا عسکرانی و محمد پیری) ۱۶۷

سفرنامه سلطان الواعظین ابوالفتح حسنی حسینی، (تاریخ فیلم برداری ۱۳۸۸)، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بخش دیداری و شنیداری، میکروفیلم نسخه خطی شماره ۳۱۴۴.

طالبوف، عبدالرحیم بن ابوطالب، (۱۳۵۶)، کتاب احمد، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران، شبگیر، چ دوم. عیسوی (ایسای)، چارلز، (۱۳۸۷)، «نفوذ اقتصادی اروپا ۱۸۷۲-۱۹۲۱». تاریخ ایران کمبریج [جلد هفتم] قسمت دوم قاجاریه، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، چ سوم.

عیسوی، چارلز، (۱۳۶۹)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، چ دوم.

فاتح، مصطفی، (۱۳۵۸)، پنجاه سال نفت ایران، تهران: پیام، چ اول.

فرجی، مهدی؛ نصیری، حامد رضا، (پاییز و زمستان ۱۴۰۰)، «سفرنامه‌های فارسی هند، نخستین روایتگران نظام مشروطه انگلیس؛ مطالعه موردی: شگرف‌نامه ولایت، تحفه‌العالم و مسیر طالبی»، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شبه‌قاره، سال ۱۳، شماره ۴۱، صص ۲۱۳-۲۳۴.

فلور، ویلم، (۱۳۶۵)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ابوالقاسم سرّی، تهران: توس، چ اول.

فوران، جان، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱)، «مفهوم توسعه وابسته؛ کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار [قسمت اول]». تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۳۴-۳۹.

کاشانی، سید حسن، (۱۳۸۰)، مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی، تصحیح غلامحسین میرزا صالح، تهران: کویر، چ اول.

کرمانشاهی، آقا احمد بهبهانی، (۱۳۷۵)، مرآت الاحوال جهان‌نما، تصحیح و مقدمه علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ دوم.

کوشکی، فرشته، (پاییز ۱۳۹۰)، «سفرنامه هند، کشمیر و برمه؛ گزارش سفر نویسنده به هند و برمه طی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۴ق». تهران: مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۷۰۹-۷۸۱.

گریوز، رز، (۱۳۸۷)، «روابط ایران با هند و هند بریتانیایی ۱۷۹۸-۱۹۲۱». تاریخ ایران کمبریج [جلد هفتم] قسمت دوم قاجاریه، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، چ سوم.

ملک‌زاده، مهدی، (۱۳۸۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: انتشارات سخن، چ اول.

نائبیان، جلیل؛ علیپور سیلاب، جواد، (زمستان ۱۳۸۹)، «تجارخانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار»، اصفهان: فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، سال دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۱۵-۳۴.

نصیری طیبی، منصور، (تابستان ۱۳۸۴)، «نقش بریتانیا در رویدادهای سیاسی فارس در دوران مشروطیت (۱۳۳۰-۱۳۲۴ق./۱۹۱۲-۱۹۰۶م)». تهران: فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۳، صص ۲۵۰ -

۱۶۸ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

نورایی، مرتضی؛ رضایی، زهرا، (پاییز ۱۳۸۹)، «تجارت و قاچاق اسلحه توسط افغان‌ها در خلیج فارس و اقدامات انگلستان در جلوگیری از آن سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۱۵ق. / ۱۹۱۴-۱۸۹۷م.» تهران: فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۱۷۸-۱۵۱.

ورهرام، غلامرضا، (پاییز ۱۳۶۴)، «کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران»، مشهد: دانشگاه فردوسی، مجله علمی - پژوهشی جستارهای ادبی، سال ۱۸ شماره ۳ شماره پیاپی ۷۰، صص ۴۶۹-۵۱۶.

هالینگبری، ویلیام، (۱۳۶۳)، روزنامه سفر هیئت سرجان ملک‌م به دربار ایران در سال‌های ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱م، ترجمه هوشنگ امینی، تهران: کتاب‌سرا، چ‌اول.